

# چالش‌های اپوزیسیون‌انگاری انجمن‌های علمی علوم اجتماعی در ایران و تأثیر آن بر توسعه سیاسی

مهرداد خرم‌نصر\*  
مجتبی مقصودی\*\*

## چکیده

انجمن‌های علمی، از جمله انجمن‌های علمی حوزه علوم اجتماعی، به‌مثابه نهادهای مدنی، مستقل، و خودجوش در دو دهه اخیر رشد و گسترش فزاینده‌ای داشته‌اند؛ چنان‌که براساس آمار موجود، تا چهارصد انجمن علمی در ایران به‌ثبت رسیده‌اند و تعدادی از انجمن‌ها با ایفای نقش مرجعیت علمی، ظرفیت‌سازی، کادرسازی، و ایجاد فضای تعامل و گفت‌وگو توانسته‌اند جایگاه قابل‌اعتنایی را در عرصه‌های علمی و فکری به‌دست آورند.

---

\* دانشجوی دکترای علوم سیاسی، گروه مسائل ایران، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (mkhoramnashr@gmail.com)  
\*\* (نویسنده مسئول) دانشیار، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (maghsoodi42@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۲۴

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره نخست، زمستان ۱۳۹۷، صص ۹۵-۱۲۴

در حالی که گسترش نهادهای مدنی یکی از شاخص‌های فرایند توسعه سیاسی به‌شمار می‌آید، گسترش انجمن‌های علمی، به‌ویژه انجمن‌های حوزه علوم اجتماعی در جامعه ایران و از سوی نهاد دولت، با چالشی تحت عنوان «اپوزیسیون‌بودگی» و «اپوزیسیون‌انگاری» روبه‌رو شده و به‌رغم جایگاه مرجعیت علمی، با سیاست «بی‌توجهی» و «عدم شناسایی» نسبت به نقش مشاوره‌ای و کارشناسی در حوزه سیاستی دست‌به‌گریبان هستند.

این پژوهش با انتخاب انجمن‌های «علوم سیاسی ایران»، «جامعه‌شناسی ایران»، و «مطالعات صلح ایران» با به‌کارگیری روش کیفی و از طریق مصاحبه با فعالان انجمنی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای تلاش می‌کند به حوزه نادیده‌انگاشته‌شده «کارکردهای علمی-اجتماعی-سیاستی» انجمن‌ها و چالش‌های پیش‌رو از منظر اپوزیسیون‌بودگی بپردازد. مهم‌ترین یافته این پژوهش، ناظر بر وجود فاصله میان مدل آرمانی و مدل واقعی تعاملات نهادهای انجمنی با نهاد دولت و جامعه و نیز درک نادرست دولت از محتوا و کارکرد نقادانه نهادهای انجمنی علوم اجتماعی است.

واژگان کلیدی: انجمن‌های علمی، علوم اجتماعی، اپوزیسیون‌انگاری، دانش انتقادی، توسعه سیاسی

## مقدمه

سال‌ها از تأسیس انجمن‌های علمی وابسته به گروه‌های آموزشی دانشگاهی در کشور می‌گذرد. به نظر می‌رسد انجمن‌های علمی در کنار گسترش کمی، به لحاظ کیفی و عملکردی نیز وضعیت رو به بهبود و پیشرفتی دارند. عضویت چندین هزار فرهیخته دانشگاهی، انتشار نشریه‌های علمی فراوان، برگزاری صدها نشست و همایش با موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و تألیف آثار ارزشمند از جمله این موارد هستند، اما متناسب با چنین ظرفیتی، حوزه اجرایی کشور بهره‌لازم را از این انجمن‌ها نمی‌برد. رابطه دولت با این نهادهای توانمند در ابهام قرار دارد و هیچ‌کدام از دو نهاد دولت و نهادهای انجمنی نتوانسته‌اند رابطه‌شان را با یکدیگر و با جامعه به شکل روشنی تعریف و مشخص کنند.

تصور غالب دستگاه‌های اجرایی در مورد فعالیت انجمن‌های علمی این است که آن‌ها باید تنها به کارهای علمی مشغول باشند و وارد عرصه‌های فعالیت نقادانه، سیاست‌گذاری، و حوزه عمومی نشوند و چنین فعالیت‌هایی را انحرافی از مسیر اصلی، و علت وجودی انجمن‌ها تلقی می‌کنند. پاسخی که به چنین فعالیت‌های ناهمسو با خواست و اراده دولت‌ها داده می‌شود، اپوزیسیون‌انگاری انجمن‌های علمی علوم اجتماعی است. اپوزیسیون‌انگاری، چهره‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، نادیده گرفتن فعالیت‌های نقادانه و سیاستی انجمن‌های علمی علوم اجتماعی و درنهایت، عدم حمایت دولت از این نهادها است.

مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش پیش‌رو این است که «اپوزیسیون‌انگاری یک نهاد مدنی چیست»، «چه تأثیری بر مناسبات متقابل دولت و انجمن‌ها دارد» و «بازخورد آن در توسعه سیاسی چگونه است؟»

پاسخ اولیه به پرسش‌های بالا این است که «چالش اپوزیسیون‌انگاری نهادهای انجمنی علوم اجتماعی متأثر از رویکرد نامناسب و کژفهمی کارگزاران نهاد دولت در مورد کارکردهای علوم اجتماعی انتقادی است که در پی آن باعث بدکارکردی نظام سیاسی در راستای تضعیف توسعه سیاسی خواهد شد».

اگر بپذیریم که تحلیل کیفی، اصطلاحی علمی است که گستره‌ای از روش‌ها و تکنیک‌ها را دربر می‌گیرد (مارش و استوکر، ۱۳۹۲: ۲۲۶)، در پژوهش‌های کیفی از تکنیک‌ها و روش‌های کیفی‌ای مانند مصاحبه، مشاهده مشارکتی، بحث گروهی متمرکز، و تفسیر اسناد استفاده می‌شود. در مقاله حاضر، با به‌کارگیری روش کیفی از طریق مصاحبه با رؤسای فعلی و پیشین و فعالان انجمنی دیگر و با بهره‌گیری از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای کوشش شده است که حوزه نادیده‌انگاشته‌شده «کارکردهای علمی-اجتماعی-سیاستی» انجمن‌ها و چالش‌های پیش رو از منظر اپوزیسیون‌بودگی این انجمن‌ها بررسی شود. تکنیک دیگری که مورد استفاده قرار گرفته است، مشاهده مشارکتی<sup>۱</sup> است. هدف مشاهده مشارکتی، دست یافتن به نگاه از درون است. مشاهده مشارکتی، مستلزم داشتن نقش در مقام یک عضو است. عضو بودن برای دست یافتن به فهم از منظر خودی‌ها (امیک) ضروری است. نویسندگان این مقاله سال‌ها در حوزه انجمن‌های علمی در سطوح مختلف آن از نیروی اجرایی تا بالاترین مسئولیت‌های انجمنی فعالیت داشته‌اند. در روش مشاهده مشارکتی برای گردآوری داده‌ها از تکنیک‌های مختلفی مانند مشاهده مستقیم، استفاده از اسناد، شیوه‌های دیگر ارتباطی، گردآوری اطلاعات از طریق گفت‌وگوی غیررسمی و مصاحبه‌های ژرف، غیررسمی و مصاحبه‌های ساخت‌یافته رسمی استفاده می‌شود (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۷۳). تکنیک کیفی دیگر استفاده‌شده در این پژوهش، تمرکز بر بحث گروهی است. در بحث گروهی، مصاحبه، محور کسب اطلاعات و تحلیل‌ها است که یک گرداننده آن را براساس موضوع از پیش تعیین‌شده هدایت می‌کند و گروهی چند نفره در بحث شرکت کرده و نظراتشان را درباره موضوع مطرح‌شده، در قالب گروهی و به‌صورت داده‌های کیفی، مطرح می‌کنند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۸۸). همچنین، برای پیشبرد این پژوهش از اسناد دست اول درباره فعالیت‌ها و رویدادهای انجمنی و نیز بررسی انتقادی

پژوهش‌های فراوان در حوزه انجمن‌های علمی، علوم اجتماعی، اپوزیسیون‌گرایی، و توسعه سیاسی استفاده شده است.

### ۱. ادبیات پژوهش؛ بررسی انتقادی

در راستای شناسایی ادبیات و آثار مرتبط با موضوع پژوهش، سه دسته مطالعه و پژوهش قابل رهگیری است. دسته نخست، منابعی که به حوزه علوم اجتماعی می‌پردازند، دسته دوم، منابعی که نهادهای مدنی و توسعه سیاسی را دربر می‌گیرند، و دسته سوم، منابعی که انجمن‌های علمی را به‌طور خاص بررسی می‌کنند.

جدول شماره (۱). ادبیات پژوهش در چارچوب بررسی منابع حوزه علوم اجتماعی

عنوان	نویسنده	نقاط قوت	نقاط ضعف
برای جامعه‌شناسی عمومی (Burawoy, 2005)	مایکل بوراوی	نویسنده ضمن تقسیم رشته جامعه‌شناسی به چهار حوزه حرفه‌ای، انتقادی، سیاسی و عمومی بر این نظر است که جامعه‌شناسی باید با تقویت حوزه عمومی خود در کنار جامعه مدنی بایستد و آن را در مقابل مداخلات دولت و بازار تقویت کند.	اختصاص رسالت عمومی تنها به رشته جامعه‌شناسی قابل انتقاد است، زیرا همه رشته‌های علوم اجتماعی دارای چنین رسالت‌هایی هستند. به‌این ترتیب، تلاش شده است تا ایده اصلی مقاله به کل حوزه علوم اجتماعی تعمیم داده شود و از آن برای بازشناسی کارکردهای انجمن‌های علمی استفاده شود.
آیا علوم اجتماعی انتقادی می‌تواند سودمند باشد؟ (Fassin, 2009)	دیدیر فاسین	نویسنده با توجه به مثال غار افلاطون، ناقد را به‌مثابه شخصی می‌داند که از زنجیرهایی که در غار به او بسته شده خود را آزاد کرده و به آستانه غار رسانده و آنچه را از جهان بیرون می‌بیند، برای کسانی که درون غار گرفتار جهان سایه‌ها هستند بازگو می‌کند. دانش علوم اجتماعی انتقادی بینشی را ایجاد می‌کند که برای عالمان این حوزه شأن ویژه‌ای به‌وجود می‌آورد.	این انتظار به‌حق است که محققان و دانشمندان علوم اجتماعی به حقایق دسترس‌ی داشته باشند که در حالت عادی دردسترس دیگران نیست و با اتکا به این بینش به نقد روندهای موجود بپردازند. انجمن‌های علمی علوم اجتماعی نیز می‌توانند چنین کارکردی را به‌عنوان یک نهاد مستقل ایفا کنند.
تأملی بر مقاله «در باره جامعه‌شناسی مردم‌مدار» و نسبت آن با علوم اجتماعی در ایران (اسماعیلی، ۱۳۸۸)	محمدجواد اسماعیلی	نویسنده به بررسی انتقادی مقاله مایکل بوراوی و بازتاب آن در ایران پرداخته و در مقابل توصیه او به تقویت جامعه‌شناسی مردم‌مدار، بر این نظر است که نقطه‌ضعف جامعه‌شناسی در ایران، حوزه جامعه‌شناسی حرفه‌ای است و بیشترین تمرکز بر روی این حوزه باید باشد.	بی‌تردید مشکلاتی در حوزه دانش علوم اجتماعی حرفه‌ای وجود دارد، اما این به‌معنای بازماندن از سایر حوزه‌های علوم اجتماعی نخواهد بود. انجمن‌های علمی با ساختاری نظام‌مند و هدفمند می‌توانند علوم اجتماعی را در همه حوزه‌ها گسترش دهند.

جدول شماره (۳). ادبیات پژوهش در چارچوب بررسی نهادهای مدنی و توسعه سیاسی

عنوان	نویسنده	نقاط قوت	نقاط ضعف
یک مدل و گونه‌شناسی از روابط حکومت و سازمان‌های مردم‌نهاد (Coston, 1998)	جنیفر کاستون	در این پژوهش، هشت حالت ممکن از روابط حکومت و سازمان‌های مردم‌نهاد بررسی شده است.	نپرداختن به انجمن‌های علمی و مسائل مربوط به آن‌ها به‌طور خاص از جمله ضعف‌های این پژوهش نسبت به پژوهش حاضر است.
چالش‌های مشاغل دانشگاهی در روسیه (Smolentseva, 2003)	آنا اسمولنتسوا	مقاله به‌صورت مطالعه موردی به نقش دولت و ایدئولوژی در به‌وجود آوردن چالش‌های مشاغل علمی در روسیه پرداخته و آزادی دانشگاهی را در این کشور ارزیابی کرده است.	بی‌توجهی به انجمن‌های علمی به‌طور خاص، بی‌توجهی به نقش انتقادی، سیاسی، و عمومی دانش و تنها پرداختن به جنبه‌های حرفه‌ای آن، از جمله ضعف‌های آن است.
گونه‌شناسی انجمن‌های داوطلبانه در ایران (سرایبی و قاسمی، ۱۳۸۱)	حسن سرایی و زهرا قاسمی	به تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی انجمن‌های داوطلبانه پرداخته و انجمن‌های علمی نیز به‌عنوان یک نمونه در این طبقه‌بندی جای گرفته‌اند.	به انجمن‌های علمی، کارکردهای آن و اپوزیسیون‌بودگی به‌طور خاص پرداخته نشده است.
سیاست‌ها و ضد سیاست‌ها در رفتار انجمن‌های مردم‌نهاد (Fisher, 1997)	ویلیام فیشر	این مقاله از منظر انسان‌شناختی به تحلیل تأثیر رفتار انجمن‌ها بر سیاست داخلی و بین‌المللی و جهانی‌شدن پرداخته و آن را در روند جهانی‌شدن مؤثر دانسته است.	به انجمن‌های علمی به‌طور خاص توجه نشده است.

جدول شماره (۳). ادبیات پژوهش با توجه به منابع مرتبط با موضوع انجمن‌های علمی

عنوان	نویسنده	نقاط قوت	نقاط ضعف
چشم‌انداز اداره دولت و حکومت براساس خط‌مشی‌ها و اسناد راهبردی برخی از انجمن‌های علمی این رشته (پورعزت، طاهری، عطاری، و نجاتی آجی‌پیشه، ۱۳۸۹)	علی اصغر پورعزت، غزاله طاهری، عطاری، و مصطفی نجاتی آجی‌پیشه	اسناد راهبردی انجمن‌های فعال در حوزه اداره دولت و حکومت به روش تحلیل محتوا بررسی شده است.	این اثر در چارچوب پژوهش پیش‌رو، تنها به دانش سیاست‌گذاری پرداخته و انجمن‌های بررسی شده در آن خارجی هستند.
عملکرد انجمن‌های علمی در زمینه ترویج و توسعه علم و اخلاق (عبداللهی، ۱۳۸۱)	محمد عبداللهی	این پژوهش ضمن آسیب‌شناسی انجمن‌های علمی، وضع مطلوب را ترسیم و سیاست‌هایی را که باعث بهبود وضع موجود می‌شوند، بیان کرده است.	این پژوهش تمایزی بین کارکردهای حرفه‌ای، سیاسی، انتقادی و عمومی انجمن‌های علمی قائل نشده است.
نقش انجمن‌های علمی در توسعه علوم مهندسی (قدیمی و حجازی، ۱۳۸۸)	اکرم قدیمی و الهه حجازی	ضمن مقایسه عملکرد انجمن‌های علمی در حوزه‌های علوم مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی و ... به این نتیجه می‌رسد که انجمن‌های علمی علوم مهندسی سرآمد انجمن‌ها هستند و نسبت به انجمن‌های دیگر، رابطهٔ پربارتری با دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی دارند.	این پژوهش به مسائل انجمن‌های علوم اجتماعی و آسیب‌شناسی عملکرد ضعیف آن‌ها در مقابل دستگاه‌های اجرایی نپرداخته است.

<p>اگرچه مقاله به کارکردهای سیاستی و حرفه‌ای انجمن‌ها توجه ویژه‌ای دارد، اما اپوزیسیون‌بودگی و کارکرد انتقادی انجمن‌ها را واکاوی نکرده است.</p>	<p>نویسنده به دلیل سال‌ها فعالیت انجمنی، اطلاعات مناسبی از وضعیت انجمن‌های علمی در ایران ارائه کرده و ضمن ارزیابی مثبت از فعالیت انجمن‌ها در راستای رشد علمی، در یک افق آینده‌پژوهانه آینده روشنی را برای مشارکت این انجمن‌ها در سیاست‌گذاری و ایفای نقش مشورتی پیش‌بینی می‌کند.</p>	<p>مجتبی مقصدی</p>	<p>جایگاه انجمن‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات سازمان ملل در رشد علمی و کاربردی کشور (مقصودی، ۱۳۹۱)</p>
<p>در این پژوهش به مسائل کلان‌تر درباره روابط انجمن‌ها و دولت پرداخته نشده است.</p>	<p>مقاله ضمن بررسی انجمن جامعه‌شناسی آمریکا به عنوان مطالعه موردی، در مورد تغییر ماهیت و اهداف این انجمن از یک نهاد حرفه‌ای و علمی به یک نهاد با کارکردهای اجتماعی هشدار می‌دهد.</p>	<p>ایدا سیمپسون و ریچارد سیمپسون</p>	<p>دگرگونی انجمن جامعه‌شناسی آمریکا (Simpson and Simpson, 1994)</p>

## ۲. تناقض‌های نهادهای مدنی و اپوزیسیون‌انگاری؛ بررسی نظری

ریشه اصلی ادبیات انتقادی را می‌توان در بسیاری از نحلّه‌های فکری، از لیبرالیسم تا مارکسیسم و از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم، یافت. نقدهای مارکس از نظام سرمایه‌داری، نقد پوپر به پوزیتیویسم، و ارائه نظریه ابطال‌گرایی، انتقاد وبر از عقلانیت ابزاری و ارائه عقلانیت تفهمی، نقد مکتب فرانکفورت به عقلانیت ابزاری و طرح عقلانیت انتقادی توسط هورکهایمر، آدورنو، و مارکوزه و طرح عقلانیت ارتباطی توسط هابرماس، و حتی نقدهای پست‌مدرنیست‌هایی مانند فوکو، لیوتار و دریدا از مدرنیته را در یک دیدگاه کلان (اگرچه نقد، مخاطب و روش یکایک آن‌ها با هم بسی متفاوت است) می‌توان در چارچوب ادبیات انتقادی علوم اجتماعی قرار داد که هر کدام به فراخور موقعیت‌های تاریخی در سطح جوامع و دولت‌ها تأثیرگذار بوده‌اند و اگر گفته شود که نظریه‌های علوم اجتماعی در کارگاه نقد وضع موجود شکل گرفته و قوام یافته‌اند، سخن‌گرافی نبوده است. براساس منطق بالا می‌توانیم ادعا کنیم که عنصر انتقادی را نمی‌شود و نباید از علوم اجتماعی جدا کرد، زیرا عنصر انتقادی، عنصر جوهری و تعیین‌کننده‌ای در برون‌داد و فرآورده علوم اجتماعی خواهد بود و علوم اجتماعی بدون آن جسمی مسخ‌شده در دست خداوندان ثروت و قدرت است که از هرگونه اعتبار علمی تهی و تنها کاربرد آن توجیه وضع موجود خواهد شد.

یکی از متفکرانی که به عنصر نقادی در علوم اجتماعی توجه کرده است، مایکل بوراوی<sup>۱</sup> (۲۰۰۵)، جامعه‌شناس آمریکایی است. وی برای توضیح نظریه خود و وضعیت

1. Michael Burawoy, Professor of Sociology, University of California, Berkeley.

رشته جامعه‌شناسی در آمریکا، این رشته را به چهار نوع جامعه‌شناسی حرفه‌ای، سیاستی، انتقادی، و حوزه عمومی تقسیم کرده است. محمدا/مین قانعی‌راد، جامعه‌شناس علم، مقوله‌بندی بوراوی از جامعه‌شناسی را به علوم انسانی و اجتماعی گسترش داده است. وی از علوم اجتماعی حرفه‌ای، سیاستی، انتقادی، و نیز علوم اجتماعی حوزه عمومی می‌گوید. در این تحلیل می‌توان هر رشته علمی را به‌عنوان منظومه‌ها و ترکیبات این چهار دسته تجزیه و تحلیل کرد (قانعی‌راد، ۱۳۹۵: ۱۹۸).

در این پژوهش از تقسیم‌بندی بالا به‌عنوان الگویی برای تعیین کارکردهای انجمن‌های علمی علوم اجتماعی استفاده می‌شود. انجمن‌های علمی به‌عنوان نهادهایی مدنی، براساس نظریه کارکردگرایی پارسونز، منطقاً دارای کارکردهای آشکار و نهانی هستند. مفروض این برداشت این است که کل جامعه همانند سیستمی مرکب از بخش‌های مختلفی است که هر یک کارویژه‌ها و وظایف خاص خود را انجام می‌دهد و بین اجزای سیستم، روابط مکمل و متقابل وجود دارد. هر سیستم، مجموعه‌ای از اجزای همبسته است که در درون محیط<sup>۱</sup> خاصی عمل می‌کند و با آن محیط، روابط متقابل دارد. می‌توان محیط را به‌عنوان جزئی از سیستمی بزرگ‌تر تصور کرد. همچنین، ممکن است که سیستم، باز یا بسته باشد. سیستم بسته با محیط رابطه و تبادل ندارد و متمایل به تعادل ایستا<sup>۲</sup> است و از تأثیر زمان مصون است. در مقابل، سیستم باز با محیط تبادل دارد و اجزای آن در معرض تغییر هستند. هر سیستم باز، دارای ویژگی‌های چهارگانه<sup>۳</sup> زیر است:

۱. داده یا درون‌نهاد<sup>۳</sup>، یعنی آنچه وارد سیستم می‌شود؛
۲. بازده یا برون‌داده<sup>۴</sup>؛
۳. فرایند<sup>۵</sup>، یعنی عملیاتی که روی داده انجام می‌شود تا به بازده تبدیل شود؛
۴. بازخورد<sup>۶</sup> یا سازوکار کنترل که موجب تشدید روند عملکرد سیستم تا حداکثر توان

1. Environment
2. Homeostasis
3. Input
4. Output
5. Process
6. Feedback



(پس‌خوراند مثبت) یا کاهش آن روند می‌شود (پس‌خوراند منفی) (بشیریه، ۱۳۷۴: ۸۵). جامعه نیز مانند سیستم‌های مکانیکی یا ارگانیکی، مجموعه‌ای از اجزا است که بین آن‌ها روابط متقابلی وجود دارد. چنین مجموعه‌ای تنها به زور و قدرت متکی نیست، بلکه بر سازوکارهای همبستگی پیچیده و ازجمله مبانی اخلاقی استوار است (wallace and wolf, 1986: 17-44).

چنان‌که گفته شد، سیستم سیاسی، عهده‌دار اجرای کارویژه‌های خاصی است. مهم‌ترین کارویژه‌های سیستم سیاسی عبارتند از: استخدام کارگزاران نقش‌های سیاسی، استخراج، بسیج و توزیع منابع، شناسایی و تلفیق منافع اجتماعی گوناگون، تأمین شبکه ارتباطات سیاسی، وضع و اجرای هنجارهای سیاسی، و انجام وظایف داوری مربوط به اجرای هنجارها (orum, 1983: 72-105). در کنار کارکردهای آشکار سیستم‌ها و نهادها، کارکردهای پنهانی نیز وجود دارند. شاید مهم‌ترین کاربرد الگوی مرتن، «کارکردهای مخفی ماشین سیاسی» باشد که به پیامدهای یک فعالیت برای سیستم در راستای برآوردن یک نیاز اشاره دارد؛ فعالیتی که بازیگر یا بازیگران درگیر آن، ناخودآگاه آن را انجام می‌دهند. پیامدهای یک فعالیت آگاهانه به کارکردهای آشکار ارتباط می‌یابد (قوام، ۱۳۸۰: ۵۸)، اما انجمن‌های علمی در این سیستم چه نقش و کارکردی را می‌توانند ایفا کنند؟ برای پاسخ به این پرسش باید به ماهیت علوم اجتماعی توجه کرد.

هابرماس در کتاب «شناخت و علایق» (۱۹۶۸)، علایق شناختی بشر را به سه دسته تقسیم می‌کند: نخست، علایق یا شناخت تکنیکی یا ابزاری است. هدف از این نوع شناخت، تسلط بیشتر بر طبیعت و کنترل فنی است. علومی که به کمک این نوع شناخت می‌آیند، علوم تحلیلی و تجربی هستند. پایه و اساس این نوع علایق بر کار و نیروی تولید قرار دارد. نوع دوم، علایق عملی انسان است و این نوع علایق بیشتر در خدمت ارتباط و درک دوجانبه هستند. پایه و اساس این نوع علایق، زبان است. هابرماس در توضیح این نوع علایق بر این نظر است که باید در این تحلیل علایق نوع اول را به کنار نهاد، زیرا علایق اثباتی و فنی که تنها به ارزیابی وسیله‌هدف می‌پردازند و در خرد ابزاری خلاصه می‌شوند، از تحلیل چنین علایقی ناتوان هستند. در اینجا باید از علوم تاریخی و هرمنوتیک یا تأویلی کمک گرفت؛ برخلاف علایق اثباتی که هدفشان تسلط بر طبیعت است، این علایق تسلط بر جامعه را مدنظر قرار می‌دهند.

نوع سوم، علایق «رهایی‌بخش» هستند. در این قلمرو است که هابرماس از علوم انتقادی نام می‌برد، زیرا تنها علومی که می‌توانند انسان را از تسلط خرد ابزاری و نیز گم شدن در وضع موجود برهانند و او را آگاه سازند، این نوع علوم هستند. وظیفه نظریه انتقادی، رها ساختن علم از خدمت به وضع موجود و قرار دادن دوباره آن در خدمت عقلانیت، و به بیان بهتر، استقلال و رهایی انسان‌ها است (علیخواه، ۱۳۷۶: ۴۴). تقسیم‌بندی هابرماس از دانش را می‌توان با تقسیم‌بندی بوراوی و قانعی‌راد از علوم اجتماعی مطابقت داد.

در چارچوب تقسیم‌بندی چهارگانه از علوم اجتماعی، علوم اجتماعی حرفه‌ای اغلب به‌عنوان جریان اصلی تولید دانش—از طریق انجام پژوهش به‌صورت تولید مقاله‌ها و کتاب‌ها، زمینه فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی، و کاربردهای حرفه‌ای و تخصصی را فراهم می‌کنند. دانش حرفه‌ای عبارت است از نظریه‌ها و روش‌های هر رشته علمی که به شیوه‌ای نهادین تعریف و تنظیم شده است (قانعی‌راد، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

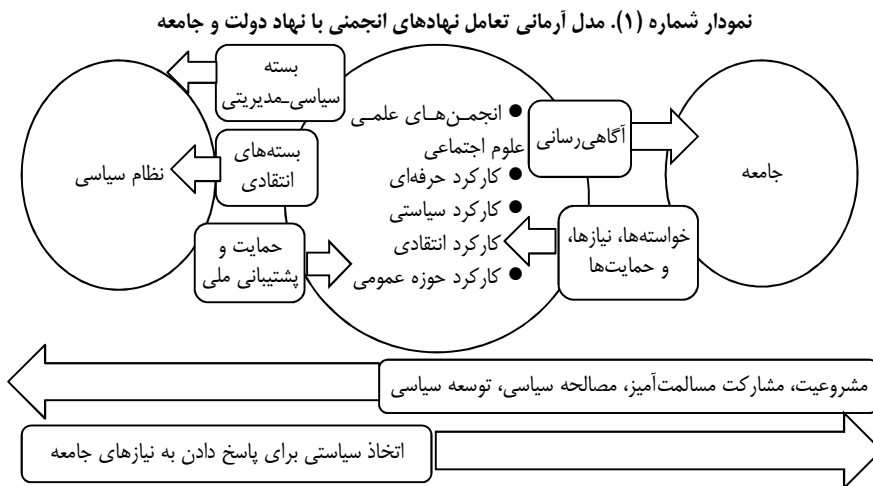
علوم اجتماعی انتقادی، درستی و نادرستی مفاهیم، فرضیه‌های هنجاری و توصیفی، و کردارهای حرفه‌ای را بررسی می‌کنند و می‌کوشند توجه اهل حرفه را به مواردی معطوف کنند که نادیده گرفته شده‌اند. علوم اجتماعی انتقادی به شکل‌گیری برنامه‌های پژوهشی بدیل کمک می‌کند و در واقع، وجدان بیدار حرفه است. حرفه‌گرایی انتقادی می‌کوشد نقش حرفه را از دلایل ابزاری‌ای مانند تولید ثروت و قدرت یا خدمات به گروه‌ها و طبقات مسلط، به دلایل ارزشی و انسانی معطوف کند. علوم اجتماعی انتقادی، بنیان‌های برنامه‌های پژوهشی رایج در علوم اجتماعی را به‌گونه‌ای صریح یا ضمنی و به‌صورت هنجاری یا توصیفی ارزیابی می‌کنند. دانش انتقادی، یا به‌تعبیر هابرماس، دانش رهایی‌بخش، با به‌چالش کشیدن الگوهای شناختی نامناسب و برنامه‌های سیاسی نامطلوب، امکان رهایی از آن‌ها را فراهم می‌کند. گاهی علم انتقادی با استدلال‌های هنجاری درباره ارزش‌ها و معیارهای مقوله‌های مختلفی از قبیل سلامتی، پایداری محیط، کارایی، حقوق بشر، و دموکراسی همراه است (قانعی‌راد، ۱۳۹۵: ۱۹۹).

علوم اجتماعی سیاستی در خدمت اهدافی است که توسط کارفرما یا مشتری تعیین می‌شود. برخی از مشتریان، قراردادهای محدودی می‌بندند و برخی از آن‌ها، مانند کارفرما، همه موضوعات را مشخص و آزادی عمل پژوهشگر را محدود می‌کنند (Burawoy, 2005)

266. در علم سیاست‌گذاری، رابطه بین دانشمندان و مراجعه‌کنندگان، اغلب دارای سرشت قراردادی است که در آن تخصص در مقابل پرداخت هزینه آن عرضه می‌شود؛ بنابراین، دانشمندان استقلال خود را دست‌کم در تعریف مسائل- به مراجعه‌کنندگان، اعم از بخش تجاری، دولتی، و غیردولتی و سازمان‌های گسترده یا کوچک، واگذار می‌کنند. این رابطه به دلیل اینکه قلمرو پژوهشی توسط خود دانشمندان تعیین نمی‌شود- رابطه‌ای ابزاری است. قلمرو یادشده به‌طور محدودتری توسط ارباب‌رجوع و به‌گونه‌ای گسترده‌تر توسط حمایت‌کننده تعریف می‌شود (قانع‌راد، ۱۳۹۵: ۲۰۱).

علوم اجتماعی، حوزه عمومی صورت‌های ارتباطات بیرون از قلمرو اصلی علم بین دانشمندان و مخاطبان گسترده‌تر در قلمروهای همگانی یا «عمومی بیرون دانشگاهی» را اغلب از طریق رسانه‌های ارتباطی دربر می‌گیرد. دانشمندان در این نقش همچون روشنفکر حوزه عمومی هستند. دانش حوزه عمومی مبتنی بر توافق میان دانشمندان و عامه است و بر مبنای «تناسب» با آنان ارزیابی می‌شود. علم حوزه عمومی، گروه‌های مردم بیرون از دانشگاه را در گفت‌وگو درباره موضوعات موردعلاقه سیاسی و اخلاقی درگیر می‌کند. دانش عمومی بدون اینکه از گرایش عامیانه پیروی کند یا فرمانبردار مردم شود، باید متناسب با نیازها و افکار آنان باشد. علم حوزه عمومی، شکل‌های متفاوتی دارد؛ صورت‌های گفت‌وگو را می‌توان به باواسطه و بی‌واسطه، تک‌خطی و دوخطی یا چندخطی تقسیم‌بندی کرد. انواع گوناگون حوزه عمومی عبارتند از: ملی و محلی، انبوه و اندک، هژمونیک و ضد هژمونیک، و فعال یا منفعل (قانع‌راد، ۱۳۹۵: ۲۰۲). توجه و تأکید بر علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی) حوزه عمومی تا حدی واکنش و پاسخی به خصوصی‌سازی همه‌چیز است (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۱۷۹). با توجه به گونه‌شناسی یادشده، می‌توان کارکردهای حرفه‌ای، انتقادی، سیاستی، و حوزه عمومی را برای انجمن‌های علوم اجتماعی نیز در نظر گرفت. علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی) حوزه عمومی، دانش اجتماعی را به میان عموم مردم می‌آورد. بوراوی، علوم اجتماعی حرفه‌ای و علوم اجتماعی سیاست‌گذار را ذیل معرفت مبتنی بر عقلانیت ابزاری و جامعه‌شناسی انتقادی و مردم‌مدار را ذیل معرفت مبتنی بر عقلانیت ارزشی و بازتابی از تقسیم‌بندی هابرماس می‌گنجاند (اسماعیلی، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

براساس آنچه گذشت، نتیجه کارکردهای انجمن‌های علمی علوم اجتماعی، ایجاد سازوکاری خواهد بود که از یک سو حوزه عمومی نظام سیاسی را در دریافت داده از محیط جامعه یاری رساند و از سوی دیگر، با کارکرد سیاستی، فرایند تبدیل داده به برون داده را تسهیل کند و در نهایت، با کارکرد نقادانه، بازخورد مناسب را به نظام سیاسی و نظام اجتماعی بدهد. نتیجه این فرایندها، کمک به بازتر شدن سیستم و تعامل و گفت‌وگو بین جامعه و دولت خواهد بود. دولت نیز از نیازهای واقعی جامعه آگاه شده و آن را برآورده می‌کند و در مقابل، جامعه به دولت مشروعیت سیاسی می‌دهد و زمینه برای مشارکت، مصالحه، و توسعه سیاسی فراهم می‌شود.



### ۳. وضعیت‌سنجی نظری انجمن‌های علمی در ایران

#### ۳-۱. تعریف انجمن‌های علمی و تفاوت آن‌ها با تشکل‌های دیگر

انجمن‌های علمی با توجه به اساسنامه‌های نوع کمیسیون انجمن‌های علمی، نهادهایی غیرانتفاعی و غیردولتی به‌شمار می‌آیند که با مجوز وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، با هدف انجام فعالیت‌های علمی و پژوهشی تشکیل شده و متشکل از دانشگاهیان در رشته‌های مرتبط با حوزه فعالیت خود هستند. در شرایط کنونی که به‌نظر می‌رسد احزاب سیاسی کارآمدی در حوزه عمومی فعال نیستند، ممکن است این شائبه پیش آید که انجمن‌های علمی به‌سبب برخورداری از ظرفیت

بسیج نخبگان دانشگاهی در حوزه علوم اجتماعی، و بدنه عضویتی منسجم، در آینده کارکرد آشکار یا پنهانی شبیه به احزاب سیاسی پیدا کنند و به طور مستقیم در حوزه سیاسی فعالیت کنند، اما با توجه به تعریف بالا می‌توان تفاوت‌های اساسی انجمن‌های علمی و نهادهای جامعه مدنی را به شرح زیر برشمرد.

مهم‌ترین وجه تمایز انجمن‌های علمی با احزاب سیاسی، تفاوت اعضا و گردانندگان آن‌ها است. انجمن‌های علمی توسط دانشمندان و دانشگاهیان اداره می‌شوند و اعضای آن متشکل از متخصصان یک رشته دانشگاهی یا چند رشته مرتبط است، درحالی‌که احزاب دربردارنده افرادی از همه اقشار و طبقاتی است که منافع مشترکی دارند. تفاوت دیگر بین آن‌ها این است که دانشمندان علوم اجتماعی براساس روش‌شناسی علمی و با استناد به ادله و منابع معتبر به تحلیل اوضاع و شرایط اجتماعی می‌پردازند؛ در نتیجه نظری که مطرح می‌کنند، دربردارنده منافع کل جامعه است نه تنها منافع یک گروه، دسته، یا جناح خاص، درحالی‌که احزاب، منافع حزبی را بر سایر منافع مقدم می‌دانند. تفاوت دیگری که انجمن‌های علمی با تشکل‌های داوطلبانه دیگر دارند، ماهیت غیرانتفاعی این‌گونه انجمن‌ها است، درحالی‌که سایر انجمن‌های داوطلبانه ممکن است غیرانتفاعی باشند، یا اینکه برای سود رساندن به اعضا تشکیل شوند.

نسبت میان انجمن‌های علمی علوم اجتماعی و ادعای اپوزیسیون‌بودگی آن‌ها مقوله دیگری است که نیازمند واکاوی است. «اپوزیسیون»، کلمه‌ای فرانسوی به معنای مخالف است (Corréard, 2010: 314) و در معنای گسترده‌تر، مفاهیمی مانند ضدیت، تناقض، اقلیت در مجلس و (جناح) مخالف (نوروزی خیابانی، ۱۳۸۴: ۳۳۴) را دربر می‌گیرد. اپوزیسیون، نام دیگری است برای گروه‌ها و طبقاتی که برای به دست آوردن، بخش کردن، یا زیر نفوذ گرفتن قدرت با یکدیگر و قدرت مسلط مبارزه می‌کنند (دوورژه، ۱۳۸۲: ۵۹). دوورژه مبارزه علیه رژیم سیاسی را به دو نوع «در رژیم» و «بر رژیم» تقسیم‌بندی می‌کند که در حالت نخست، پیکار هر حزب عبارت از کوشش برای به چنگ آوردن قدرت و سپس، اعمال آن است با حفظ قواعد و نهادهای موجود به سود طبقات و دسته‌های اجتماعی‌ای که نماینده آن‌ها است. به این ترتیب، نهادها و قواعد، مورد «توافق» تقریباً همگانی احزاب است.

در دموکراسی پارلمانی، اپوزیسیون، نقشی حیاتی بازی می‌کند و در برابر استبداد احتمالی حزب حاکم، نقش مهار را به‌عهده دارد. در واقع، رهبر اپوزیسیون، نخست‌وزیری بدیل و حزب اپوزیسیون نیز «حکومت منتظر» است؛ بنابراین، دموکراسی پارلمانی باشد یا ریاستی، نمی‌تواند همچنان دموکراسی بماند مگر اینکه اپوزیسیون مانند شمشیر داموکلس بر سر رهبران به‌طور دموکراتیک منتخب، آویزان باشد (عالم، ۱۳۸۴: ۳۵۶). در حالت دوم، در نظام‌های اقتدارگرا، اپوزیسیون شامل نیروهای نسبتاً سازمان‌نیافته‌ای است که مخالف حاکمان یا سیاست‌های جاری و حتی کل نظام سیاسی هستند و با آن به مبارزه برمی‌خیزند (حق‌پناه، ۱۳۷۸: ۸۴؛ بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۵۰). برخی از احزاب چنین می‌پندارند که منافع طبقات و دسته‌هایی را که دربردارند نمی‌توان در چارچوب رژیم مستقر تأمین کرد، پس می‌خواهند رژیم دیگری را جانشین آن کنند (دوورژه، ۱۳۸۲: ۲۰۸).

این ادعا در مورد انجمن‌های علمی با گزاره‌های زیر تأیید نمی‌شود، زیرا نخست، انجمن‌های علمی علوم اجتماعی، فعالیت‌های نقادانه علمی خود را در چارچوب قوانین موجود انجام می‌دهند. دوم، انجمن‌های علمی طبق اساسنامه در پی کسب قدرت سیاسی و منافع اقتصادی نیستند. سوم، برای نقد سیاست‌های دولت از چارچوب‌های روشمند علمی و ابطال‌پذیر استفاده می‌کنند که برخلاف گزاره‌های ایدئولوژیک و سیاسی، متعصبانه و تغییرناپذیر نیستند و همواره در معرض نقد و بحث علمی قرار دارند؛ در نتیجه، اگرچه به‌ظاهر انجمن‌های علمی علوم اجتماعی و فعالیت‌های نقادانه آن‌ها با اپوزیسیون «در نظام» قابل‌مقایسه است، اما در واقع، به‌دلیل فقدان انگیزه سیاسی و اقتصادی نمی‌توان آن‌ها را در گروه اپوزیسیون قرار داد و حتی اگر بنیادی‌ترین نقدها را نیز داشته باشند، گذاشتن نام اپوزیسیون بر آن‌ها از اساس، نادرست است.

### ۲-۳. وضعیت‌سنجی انجمن‌های منتخب علوم اجتماعی و کارکردهای آن‌ها

#### ۲-۳-۱. تاریخچه انجمن‌های علمی در ایران

تاریخچه تشکیل انجمن‌های علمی در ایران با تشکیل «جمعیت فیزیک و شیمی ایران» در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی در نتیجه اجتماع تعداد اندکی از فیزیک‌دانان کشور در

آزمایشگاه فیزیک دانشکده علوم دانشسرای عالی آغاز شد، اما دیری نپایید که به دلیل نبود ارتباط منسجم و تعریف‌شده بین اعضا، فعالیت این انجمن متوقف شد. در حدود سال ۱۳۲۰، «کانون مهندسين ايران»، «مجمع وكلاى دادگستري»، و «انجمن مامايى ايران» نیز فعالیت خود را آغاز کردند. در دهه ۱۳۲۰، «انجمن پزشکی» فعالیت خود را شروع و در سال ۱۳۴۰ به انتشار نشریه‌های مختلف گروه‌های پزشکی اقدام کرد. در این دوره که دوره اول فعالیت انجمن‌های علمی ایران نامیده می‌شود—گروه‌های کشاورزی، علوم پایه، و علوم انسانی فعالیت چشمگیری نداشتند؛ البته در این دوره محفل‌های خصوصی و غیررسمی استادان و دانشوران نیز تشکیل شدند. دوره دوم فعالیت انجمن‌های علمی، سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ را دربر می‌گیرد. در این دوره، نقش وزارت علوم در تشکیل انجمن‌های علمی محسوس بود و در واقع، بیشتر انجمن‌های علمی با کمک این وزارت تشکیل شدند. این امر، نتیجه آگاهی از نقش انجمن‌ها در پیشبرد علم بود. به این ترتیب، تا سال ۱۳۵۷ تعداد ۷۸ انجمن علمی در گروه‌های علوم پزشکی، علوم پایه، کشاورزی، فنی و مهندسی، و علوم انسانی فعالیت خود را آغاز کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۶۲، مسئولیت انجمن‌های علمی کشور به وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری واگذار شد و دفتر همکاری‌های علمی و بین‌المللی، زیر نظر معاونت پژوهشی، اداره امور انجمن‌ها را به عهده گرفت. در سال ۱۳۶۶ نیز «آیین‌نامه نحوه صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی کشور» تدوین شد. این آیین‌نامه به وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری اختیار داد که برای انجمن‌های علمی مجوز تأسیس صادر یا فعالیت آن‌ها را تأیید کند. دوره سوم، از سال ۱۳۷۰ با مصوبه شماره دویست و شصت و دو مورخه ۱۳۷۰/۸/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی شروع شد که به موجب آن، کار صدور مجوز تأسیس و تجدید پروانه و نظارت بر حسن انجام کار آن‌ها براساس مورد، به عهده وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان، و آموزش پزشکی، و فرهنگ و ارشاد اسلامی گذاشته شده است. براساس این مصوبه، اکنون کمیسیون انجمن‌های علمی ایران، در حوزه معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری، صدور مجوز تأسیس انجمن‌های علمی غیرپزشکی را به عهده دارد (شورای انجمن‌های علمی ایران، ۱۳۹۵: ۱۳).

۲-۲-۳. سه انجمن شاخص علوم اجتماعی در ایران

۲-۲-۲-۱. انجمن جامعه‌شناسی ایران

انجمن جامعه‌شناسی ایران، بزرگ‌ترین نهاد انجمنی حوزه علوم اجتماعی، و نهادی غیرانتفاعی است که در سال ۱۳۷۰ تأسیس شده و در زمینه‌های علمی، پژوهشی، کارشناسی، و مشاوره فعالیت می‌کند. در کارنامه این انجمن، صدها فعالیت علمی-پژوهشی، و آموزشی دیده می‌شود و از شبکه گسترده دفاتر استانی و گروه‌های علمی برخوردار است. این انجمن در نهمین جشنواره تجلیل از پژوهشگران برتر کشور (۱۳۸۷)، که توسط وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری برگزار می‌شود، به‌عنوان «انجمن علمی برتر» معرفی شد (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۹۷).

جدول شماره (۴). وضعیت‌سنجی انجمن جامعه‌شناسی ایران

۱. زمان تأسیس	۱۳۷۰
۲. رؤسای انجمن	سید حسین سراج‌زاده، محمدمین قانعی راد، محمد شارع پور، تقی آزاد ارمکی، غلام عباس توسلی
۳. اهداف انجمن	تولید و ترویج دانش جامعه‌شناسی؛ تدوین و تصریح قواعد (هنجارهای رویه‌ای و هنجارهای اجتماعی یا اخلاق علمی) برای کنشگران حوزه جامعه‌شناسی؛ تقویت ارزش و حیثیت جامعه‌شناسی (کسب شأن علمی و اجتماعی)؛ تقویت تعهد علمی و هویت صنفی کنشگران جامعه‌شناسی؛ بسط، گسترش، و غنی‌سازی روابط انجمنی در اجتماع علمی و جامعه.
۴. سیاست‌ها	کاربردی کردن جامعه‌شناسی از طریق طرح مسائل اساسی جامعه و کوشش در جهت توصیف، تبیین، و حل آن‌ها؛ بسط تعامل علمی با نهادهای سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، و اجرایی کشور؛ ارائه خدمات علمی، آموزشی و پژوهشی به بخش خصوصی و دولتی؛ برگزاری گردهمایی‌های علمی-تخصصی در سطوح محلی، ملی، و بین‌المللی؛ انتخاب و معرفی آثار برجسته سال در حوزه جامعه‌شناسی؛ تدوین اصول و قواعد کار و فعالیت در حوزه جامعه‌شناسی از جمله: تعیین ملاک‌های علمی حداقلی برای ارزشیابی کارهای آموزشی-پژوهشی و انتشاراتی در حوزه جامعه‌شناسی؛ تدوین قواعد اخلاق تحقیق اجتماعی.
انتشارات	مجله جامعه‌شناسی ایران با امتیاز علمی-پژوهشی (فصلنامه)؛ مجله مطالعات اجتماعی ایران با امتیاز علمی-پژوهشی (فصلنامه)؛ خبرنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران (دوماهنامه)؛ کتاب‌ها و مجموعه‌مقاله‌های همایش‌ها.

منبع: وب‌سایت و اساسنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران

۲-۲-۲-۲. انجمن علوم سیاسی ایران

انجمن علوم سیاسی ایران، به‌مثابه نهادی غیردولتی، غیرانتفاعی، و مستقل در سال ۱۳۸۲



به منظور گسترش و پیشبرد علوم سیاسی، ارتقای علمی اعضای انجمن، توسعه کیفی نیروهای متخصص، و بهبود بخشیدن به امور آموزشی و پژوهشی در زمینه‌های علم سیاست و حوزه‌های مرتبط تأسیس شد (انجمن علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۷).

جدول شماره (۵) وضعیت سنجی انجمن علوم سیاسی ایران

۱. زمان تأسیس	۱۳۸۲
۲. رؤسای انجمن	سید عبدالامیر نبوی، سید محمدکاظم سجادپور، مجتبی مقصدی، قاسم افتخاری
۳. اهداف انجمن	انجام تحقیقات علمی و فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی؛ همکاری با نهادهای اجرایی، علمی، پژوهشی، در زمینه ارزیابی و بازنگری و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به امور آموزش و پژوهش در زمینه علمی موضوع فعالیت انجمن؛ ترغیب و تشویق پژوهشگران و تحلیل از محققان و استادان ممتاز؛ ارائه خدمات آموزشی، پژوهشی، و فنی؛ برگزاری گردهمایی‌های ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی؛ انتشار کتاب‌ها و نشریه‌های علمی.
اهداف کلان	تولید اشاعه، و نهادینه کردن علم سیاست و نگرش علمی به سیاست در جامعه ایران؛ تولید و اشاعه دانش و علم سیاست از منظر ویژه متفکران ایرانی و مسلمان در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی؛ ارزیابی و اصلاح روندهای آموزشی و پژوهشی رشته علوم سیاسی و شاخه‌های مرتبط با آن مراکز آموزشی و پژوهشی ایران.
فعالیت‌های جاری	تمرکز بر آسیب‌شناسی پژوهش در کلیه گرایش‌های علوم سیاسی در ایران؛ تمرکز بر توانمندی اعضا و دانشجویان علوم سیاسی با ارائه برنامه‌ها و کارگاه‌های علمی با کیفیت عالی؛ تلاش برای همکاری مثبت و پیشرو با سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با فعالیت انجمن.
انتشارات	فصلنامه علمی-پژوهشی، پژوهشنامه علوم سیاسی؛ فصلنامه علمی-پژوهشی، دولت‌پژوهی (با همکاری دانشگاه علامه طباطبائی)

منبع: وبسایت و اساسنامه انجمن علوم سیاسی ایران

۲-۲-۳. انجمن علمی مطالعات صلح ایران

در راستای تولید و گسترش ادبیات صلح در ایران، انجمن علمی مطالعات صلح ایران به‌مثابه نهادی غیردولتی، غیرانتفاعی، و بین‌رشته‌ای فعالیت خود را در سال ۱۳۹۴ با مجوز وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری آغاز کرد. این انجمن دانش‌آموختگان رشته‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، روانشناسی، علوم تربیتی، حقوق، جامعه‌شناسی، مطالعات قومی، و انسان‌شناسی را به‌عضویت می‌پذیرد (انجمن علمی مطالعات صلح ایران، ۱۳۹۷).

جدول شماره (۶). وضعیت‌سنجی انجمن علمی مطالعات صلح ایران

۱. زمان تأسیس	۱۳۹۴
۲. رئیس فعلی	مجتبی مقصودی
۳. اهداف انجمن	گسترش و پیشبرد ارتقای علمی رشته مطالعات صلح؛ توسعه کیفی نیروهای متخصص در حوزه مطالعات صلح؛ انجام تحقیقات علمی و فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی با پژوهشگرانی که به‌گونه‌ای با حوزه مطالعات صلح سروکار دارند؛ همکاری با نهادهای اجرایی، علمی، و پژوهشی؛ ارائه خدمات آموزشی و پژوهشی به علاقه‌مندان حوزه مطالعات صلح؛ انتشار کتاب و نشریه‌های علمی؛ برگزاری همایش‌ها و گردهمایی‌های علمی در سطح ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی.
فعالیت‌های جاری	در طول سه‌سال‌ونیم از تأسیس این انجمن، شاهد مجموعه‌ای از فعالیت‌ها شامل برگزاری همایش‌های ملی و بین‌المللی، نشست‌ها، جلسه‌های نقد و بررسی کتاب، راه‌اندازی کمیته‌های علمی و شبکه‌سازی علمی در این حوزه بوده‌ایم.
انتشارات	همکاری در چاپ و نشر کتاب‌های مربوط به حوزه مطالعات صلح؛ انتشار کتاب‌های چکیده‌مقالات نخستین همایش سالانه انجمن علمی مطالعات صلح ایران با عنوان «چیستی صلح، مبانی مفهومی» و چکیده مقالات دومین همایش سالانه انجمن علمی مطالعات صلح ایران با عنوان «صلح، وفاق اجتماعی و همبستگی ملی در ایران»؛ انتشار خبرنامه پیک صلح و بروشور عملکرد انجمن به زبان‌های فارسی و انگلیسی؛ انتشار ویژه‌نامه صلح با عنوان «راهکارهای مصالحه سیاسی و ایجاد صلح مثبت در مناسبات ایران و عربستان سعودی»؛ رایزنی و انجام مقدمات برای انتشار مجله با درجه علمی پژوهشی.

منبع: وب‌سایت و اساسنامه انجمن علمی مطالعات صلح ایران

### ۳-۲-۳. نمونه‌هایی از فعالیت‌های نقادانه علمی انجمن‌های سه‌گانه بالا

۱-۲-۳. بازنمایی نابسامانی‌های سیاسی-اجتماعی در عرصه علوم اجتماعی حرفه‌ای  
بی‌اعتنایی دستگاه‌های اجرایی به انجمن‌ها و جایگاه علمی آن‌ها در حوزه‌های عمومی، انتقادی، سیاسی، و حتی حرفه‌ای، در سطحی است که در معمولی‌ترین و ابتدایی‌ترین حوزه‌هایی که به‌طور معمول باید صاحب‌نظر باشند و مورد مشورت قرار گیرند نیز این اتفاق نمی‌افتد. تغییر سرفصل‌های رشته‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی بدون مشورت با انجمن‌های مرتبط با این رشته‌ها با واکنش انجمن علوم سیاسی ایران و انجمن جامعه‌شناسی ایران روبه‌رو شد. ۱۶۰ استاد علوم سیاسی برای به‌تعویق افتادن اجرای این سرفصل‌ها اقدام به نامه‌نگاری به رئیس‌جمهور کردند. انجمن جامعه‌شناسی ایران نیز با نگارش نامه‌ای از این روند انتقاد کرده و هشدار داد که ادامه آن منجر به نتایج نامطلوبی در کیفیت آموزش این

رشته و تضعیف جایگاه و سرمایه اجتماعی شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، و دست‌اندرکاران این برنامه در میان اعضای هیئت علمی، دانشجویان، و دانش‌آموختگان علوم اجتماعی خواهد شد. ثمره این اعتراضات، سندی شد با عنوان «بازنگری برنامه رشته علوم سیاسی، ضرورت‌ها و بیم‌ها» که در تابستان ۱۳۹۳ توسط جمعی از استادان علوم سیاسی نوشته شد.

این سند ۴۳ صفحه‌ای، دربردارنده عنوان‌های اصلی زیر است:

۱. دلایل، اصول و اهداف بازنگری و اصلاح درس‌ها و سرفصل‌ها؛
۲. نقد برنامه ارائه‌شده؛
۳. پیشنهادهایی برای برنامه‌های تحصیلات تکمیلی؛
- حذف عنوان کارشناسی ارشد «علوم سیاسی» و تخصصی شدن و بین‌رشته‌ای شدن رشته‌های کارشناسی ارشد؛
- الگوهایی که دانشجو و دانش‌آموخته را کاربردی، روزآمد، علاقه‌مند به فعالیت‌های فراملی، بوم‌شناس، متخصص و کارآمد کند؛
- رشته علوم سیاسی و برنامه‌های آن را باید به متخصصان و نهادهای تخصصی آن واگذار کرد. استادان گروه‌های علوم سیاسی و نهادها و انجمن‌های علمی این رشته، صالح‌ترین عناصر برای این کار هستند؛
- باید برای تدوین برنامه رشته‌های علوم انسانی، از جمله علوم سیاسی، به مراجع و منابع علمی، از جمله انجمن‌های علمی، اعتماد و اتکا شود. تأمین منافع کشور و مردم ایران در امور تخصصی و کارشناسی نیازمند پذیرش مرجعیت علم و نهادهای علمی است.

۲-۳-۲-۳. بازنمایی کاستی‌ها و انتقاد انجمن‌های علوم اجتماعی از وضع موجود در قالب نشست‌ها و همایش‌هایی با محتوای انتقادی

یکی دیگر از حوزه‌هایی که انجمن‌های علمی علوم اجتماعی به آن وارد می‌شوند، حوزه انتقادی و سیاست‌گذاری معطوف به عرصه عمومی و سیاسی است. آن‌ها در کنار فعالیت‌های علمی و حرفه‌ای، بخش زیادی از توان خود را صرف مطالعات، پژوهش‌ها، همایش‌ها، و نشست‌هایی مرتبط با حوزه عمومی و سیاست‌گذاری با رویکرد انتقادی می‌کنند.

جدول شماره (۷). نمونه‌هایی از فعالیت‌های علمی نقادانه سه انجمن علمی علوم اجتماعی

ردیف	فعالیت	برگزارکننده	محتوای انتقادی
۱	هشتمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران با عنوان «دیپلماسی هسته‌ای»	انجمن علوم سیاسی ایران، آذر ۱۳۹۳	نقد و بررسی دیپلماسی هسته‌ای ایران و سیاست‌گذاری در این حوزه
۲	همایش ملی «جامعه، منابع طبیعی، آب، و محیط‌زیست؛ چالش‌ها و راهکارها»	انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۹۴/۷/۲۱	بررسی انتقادی مشکلات و سیاست‌گذاری‌های محیط‌زیستی کشور
۳	نهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران با موضوع «سیاست و شهر»	انجمن علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۴/۱۰/۲	نقد و بررسی مدیریت شهری
۴	«همگرایی دینی و دیپلماسی صلح در خاورمیانه»	انجمن علمی مطالعات صلح ایران ۱۳۹۵/۱/۲۱	بررسی انتقادی عملکرد دیپلماسی در مسائل خاورمیانه از منظر دینی و شناساندن فرصت‌ها و چالش‌ها
۵	همایش «انتخابات اخلاقی، اخلاق انتخاباتی»	انجمن علوم سیاسی ایران با مشارکت انجمن علمی مطالعات صلح ایران ۱۳۹۶/۲/۱۳	نگاه انتقادی به چالش‌های اخلاقی انتخابات و تبلیغات انتخاباتی در ایران
۶	نشست «خوانش انتقادی جامعه‌شناسی دورکیم و مسائل جامعه ایران»	انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۹۶/۷/۱۵	پرداختن به ریشه‌های نظری جامعه‌شناسی دورکیم و نگرش انتقادی به مسائل اجتماعی
۷	نشست «اکنون، اقتصاد و سیاست ایران در کجا ایستاده است؟»	انجمن علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۷/۵/۱۱	بررسی انتقادی سیاسی و اقتصادی اوضاع کنونی کشور.
۸	پیش‌همایش «منازعات اجتماعی و چشم‌اندازهای سیاسی در ایران»	انجمن علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۷/۶/۱۴	بررسی انتقادی منازعات و مناقشات اجتماعی-سیاسی در جامعه ایران
۹	دومین همایش سالانه انجمن علمی مطالعات صلح ایران با عنوان، «صلح، وفاق اجتماعی و همبستگی ملی در ایران»	انجمن علمی مطالعات صلح ایران با مشارکت هفده نهاد و انجمن از جمله انجمن علوم سیاسی ایران و انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۹۷/۱۲/۷	نقد و بررسی محورهای مطالعات پایه مرتبط با صلح، نخبگان، دولت، نهادهای مدنی، و گروه‌های اجتماعی و نسبت آن‌ها با صلح، وفاق اجتماعی، و همبستگی ملی در ایران و ارائه راهکارهای عملی در هریک از این حوزه‌ها
۱۰	دوازدهمین همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران با عنوان «ایران آینده؛ دشواری‌ها و تصمیمات حیاتی»	انجمن علوم سیاسی ایران با مشارکت سیزده نهاد از جمله انجمن علمی مطالعات صلح ایران و انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۹۷/۱۲/۹	نقد و بررسی محورهای: ابرچالش‌های ملی، مسئله یکپارچگی ملی، سیاست‌گذاری و کارآمدی، مسائل سیاست فرهنگی، مسائل رسانه و فضای مجازی، مسائل و منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی، بررسی تخصصی چشم‌انداز تحریم‌ها

پژوهشنامه علوم سیاسی ♦ سال چهاردهم ♦ شماره نخست ♦ زمستان ۱۳۹۷

منبع: وبسایت انجمن‌های علمی علوم سیاسی ایران، جامعه‌شناسی ایران، و مطالعات صلح ایران

نقدهای مطرح‌شده در این همایش‌ها، نشست‌ها، و فعالیت‌های دیگر، براساس روش‌شناسی علمی و توسط کارشناسان حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی که حول

محور انجمن‌های علمی جمع شده‌اند، انجام شده است، اما بازتابی از اثربخشی این انتقادات در حوزه عمومی و نهاد دولت دیده نمی‌شود.

#### ۴. دلایل اپوزیسیون‌انگاری انجمن‌های علمی علوم اجتماعی

##### ۴-۱. چالش ایدئولوژی‌زدگی علوم اجتماعی در ایران

روابط پیچیده بین ناکامی‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در بومی، کاربردی، و اسلامی‌سازی علوم اجتماعی که به مقوله دانش و قدرت مربوط می‌شود را می‌توان با چالش ایدئولوژی‌زدگی علوم اجتماعی در ایران توضیح داد. براساس این رویکرد، علوم اجتماعی تا آنجا که به مباحث شرق‌شناسی، غرب‌زدگی، و استعمار می‌پردازد، و با ایدئولوژی غرب‌ستیزانه دولت هماهنگی داشت، مورد استقبال قرار گرفت، اما زمانی که به عرصه آسیب‌شناسی موانع توسعه و نوسازی بومی — که موضوع آن نقد قدرت است — وارد می‌شود، به شدت کنترل و محدود می‌شود (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۴). از این منظر، موضوع علوم اجتماعی، بررسی آسیب‌ها و چالش‌های اجتماعی است؛ فعالیت‌های انجمن‌های علمی حوزه علوم اجتماعی نیز همین‌گونه است و بر بازنمایی و آسیب‌شناسی عقب‌ماندگی‌ها و تهدیدها تمرکز دارند، اما طبیعتاً این رویکرد انتقادی، خوشایند دولت‌ها نبوده و همواره نهادهای مطرح‌کننده چنین نقدهایی را به‌عنوان یک تهدید در نظر می‌گیرند. آن‌ها از یک‌سو منتقدان را بی‌اطلاع از اوضاع می‌دانند و از سوی دیگر، در راستای تغییر رویکردهای انتقادی علوم اجتماعی تلاش می‌کنند که به صورت دستوری و با تغییر سرفصل‌های درسی، علوم اجتماعی انتقادی را مهندسی کنند و گونه‌ای از دانش را بر سازند که قوام‌بخش و توجیه‌گر ایدئولوژی رسمی باشد. تا زمانی که به این مقصود نرسیده‌اند، علوم اجتماعی و انجمن‌های مرتبط با این حوزه را به رسمیت نشناخته و فعالیت‌های آن‌ها را نادیده می‌گیرند.

##### ۴-۲. ذات و سرشت انتقادی علوم اجتماعی

اپوزیسیون‌انگاری انجمن‌های علمی علوم اجتماعی، متأثر از درک نادرست دولت‌ها از کارکرد علمی این انجمن‌ها است که آن‌ها را نه به‌عنوان نهادهایی مکمل بلکه موازی و رقیب خود می‌بینند و تفاوتی بین رویکرد انتقادی سازنده و رویکرد گروه‌های

اپوزیسیون قائل نیستند. گاهی دستگاه‌های اجرایی از کارکردهای چهارگانه انجمن‌های علمی علوم اجتماعی در حوزه‌های حرفه‌ای، سیاستی، انتقادی، و عمومی، برداشت نادرستی داشته‌اند، زیرا تصور رایج در ادبیات دستگاه‌های اجرایی از «کار علمی»، تنها ایجاد یک مرجعیت علمی و سامان دادن به جامعه علمی است. براساس این دیدگاه، انجمن‌ها باید با ایجاد محیطی علمی، فعالان و دانشگاهیان حوزه خود را گرد هم آورند و با همکاری بر دانش یکدیگر بیفزایند؛ رویکردی تقلیل‌گرایانه که کارکرد انجمن‌های علمی را به کارکرد حرفه‌ای علوم اجتماعی فرومی‌کاهد. براین اساس، انجمن‌ها باید در چارچوب‌های ازپیش تعیین‌شده‌ای قرار گیرند که مشروعیت‌بخش باشد یا دست‌کم به مشروعیت دولت خدشه‌ای وارد نکند، اما درعمل، انجمن‌های علمی از چارچوب‌های تعیین‌شده فراتر رفته و براساس کارکردهای علمی خود، تصمیم‌های دولت‌ها را به‌نقد می‌کشند. دولت‌ها براساس تصورشان از «کار علمی» — ممکن است پرداختن به مسائل انتقادی را انحراف، سیاسی‌کاری، و سوگیری‌های جناحی تلقی کنند و در مواردی آن را همگامی با اپوزیسیون بدانند. افزون‌براین، ورود انجمن‌های علمی به عرصه مدیریت و تلاش آن‌ها برای ارائه بسته‌های سیاست‌گذاری در قالب نشست‌ها، سمینارها، و همایش‌ها نیز با عدم اقبال و بی‌اعتنایی دستگاه‌های اجرایی روبه‌رو می‌شود و درنتیجه، انجمن‌ها از انجام کارکردهای مشروع خود باز می‌مانند. این رویکرد ضدتوسعه سیاسی، ناشی از تفسیر نادرستی است که دولت از جایگاه انجمن‌های علمی و «کار علمی» دارد و درنهایت نیز به اپوزیسیون‌انگاری انجمن‌ها می‌انجامد. درحالی‌که این نهادها به کارکردهای مشروع و علمی خود عمل می‌کنند و به‌دلیل ذات علمی و روشمندان و پیروی از اصل بی‌طرفی علمی، منطقاً فاقد نیت‌های منفی هستند.

#### ۳-۴. استقلال انجمن‌ها

یکی از انتقادهای انجمن‌ها از دولت این است که دولت، میانه خوبی با نهادهای مستقل از خود ندارد و آن‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد. اصرار برای بومی‌سازی علوم اجتماعی نیز از همین رو است و درعمل، هدف دولتی‌سازی را تعقیب می‌کند. هنگامی‌که علوم اجتماعی در ایران نتوانست نظریه‌هایی همخوان با عملکرد دولت‌ها و در تأیید و توجیه آن‌ها ارائه کند، متهم شد که نظریه‌هایش مجموعه‌ای از اطلاعات و آمار دانشگاهی

هستند و به واقعیت اجتماع ربطی ندارند. حتی اتهام‌های دیگری از جمله اقدام علیه امنیت ملی نیز به آن وارد شد. در نهایت نیز راه‌حل در دگرگونی اساسی علوم اجتماعی، با شعار اسلامی کردن دانش و معرفت، جست‌وجو شد (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۸). دولت با این رویکرد ایدئولوژی زده به علوم اجتماعی می‌کوشد جایگاه علمی دانشگاهی و روشمند انجمن‌های علمی را به جایگاهی ایدئولوژیک فروکاهد و همچنین، انجمن‌های علمی را به انجمن‌ها و نهادهایی ایدئولوژیک و وابسته به نهاد قدرت تبدیل کند که ابزاری برای بسیج نیروها در دست دولت باشند.

اما در عمل، انجمن‌های علمی موفق شده‌اند استقلال خود را حفظ کنند. دلیل استقلال این انجمن‌ها از نهادهای قدرت و ثروت، ویژگی‌های خاص آن‌ها است؛ ویژگی‌هایی از جمله ساختار داوطلبانه، دموکراتیک، و شایسته‌سالارانه انجمن‌های علمی موجب شده است که این نهادها از سرمایه اجتماعی قابل توجهی برخوردار باشند. انجمن‌های علمی موفق شده‌اند کاستی سرمایه مالی را که یکی از مهم‌ترین چالش‌های انجمن‌ها و عامل بالقوه‌ای برای وابستگی آن‌ها به نهادهای قدرت و ثروت است، با کمک سرمایه اجتماعی پوشش دهند. ساختار شایسته‌سالارانه در کنار سرمایه اجتماعی سبب شده است که انجمن‌های علمی نسبت به هم‌تایان دولتی و شبه‌دولتی خود با ساختار بوروکراتیک گسترده، در مرتبه بالاتری از کارآمدی قرار گیرند. استقلال از دولت و بازار (نهادهای مالی جامعه) به انجمن‌ها قدرت می‌دهد که بدون نگرانی از پیامدها، آزادانه به نقد مسائل اجتماعی، سیاست‌گذاری‌ها، و مسائل حوزه دانش حرفه‌ای بپردازند.

##### ۵. نقدی بر اپوزیسیون‌انگاری انجمن‌های علمی علوم اجتماعی

این رویکرد که تمام مشکلات و چالش‌ها را تنها ناشی از مواضع ضد انجمنی و ضد علوم اجتماعی دولت بدانیم، تنها یک روی سکه و نگرشی تقلیل‌گرایانه است. روی دیگر سکه، عواملی هستند که مانع ایجاد رابطه‌ای متعادل و دوطرفه بین دولت و انجمن‌های علوم اجتماعی می‌شوند. فقدان زبان مشترک، اختلاف در اولویت‌ها، غیرقابل‌اتکا بودن پژوهش‌های علوم اجتماعی، ذات و سرشت انتقادی علوم اجتماعی، و رویه دولت در انجام پژوهش‌های محرمانه، از جمله این عوامل هستند. فقدان زبان مشترک: یکی از دلایل مهم این بی‌اعتنایی‌ها و بی‌توجهی‌ها، فقدان

زبان مشترک بین دانشمندان علوم اجتماعی و مسئولان دولتی است. زبان علوم اجتماعی، علمی است و بالطبع محصولات آن نیز با این زبان تولید شده‌اند. فهم کامل پژوهش‌ها، همایش‌ها، نشست‌ها، و محصولات دیگر انجمن‌های علوم اجتماعی، نیازمند دانش بالایی در این حوزه تخصصی است. واضح است که نمی‌توان از مسئولانی که درگیر کار اجرایی هستند انتظار داشت که همتای دانشجویان علوم اجتماعی مطالعه کنند، در همایش‌ها شرکت داشته باشند، نتایج را دنبال کنند، و در نهایت پس از ارزیابی آن‌ها را اجرایی کنند. برای رسیدن دانش به عمل و کنش باید آن را ترجمه کرد. این ترجمه، فرایند تولید و کاربرد دانش را دربر می‌گیرد (Graham, et al, 2006: 22). هدف عمده ترجمه دانش، تولید و انتخاب دانش مؤثر، پل زدن بین تولیدکننده و مصرف‌کننده دانش، و از بین بردن فاصله زمانی بین تولید و مصرف دانش است؛ اهدافی که در نهایت مأموریت استفاده بجا از دانش درست در زمان مناسب را محقق می‌کنند (عظیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵).

**اختلاف در اولویت‌ها:** طبیعت کارهای اجرایی به گونه‌ای است که برای بسیاری از مسائل اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی، به راه‌حل عاجل نیاز دارد؛ به‌ویژه در سیاست‌هایی که از ابتدا نیز کار علمی بر روی آن انجام نگرفته و تنها ناشی از استنباط‌های فردی یک مدیر خاص بوده است، اما در مقابل، پژوهش‌های علوم اجتماعی، زمان‌بر است و آثار آن نیز در میان‌مدت و درازمدت آشکار می‌شود که این خود، سبب دلسردی مسئولان اجرایی از علوم اجتماعی می‌شود (بیات ریزی، ۱۳۹۰: ۳۴).

**غیرقابل اتکا بودن پژوهش‌های علوم اجتماعی:** پژوهش‌هایی که کیفیت بالایی ندارند، کمتر احتمال عملی شدن دارند (Klobucký and Strapcová, 2004: 57). دولت برای اجرایی کردن حاصل پژوهش‌های علوم اجتماعی نیازمند این است که از درستی آن‌ها مطمئن شود. مسئولان دولتی قادر به ارزیابی پژوهش‌های علوم اجتماعی و سنجش اطمینان‌بخشی آن نیستند. همین امر سبب می‌شود که به این پژوهش‌ها بدبین باشند. رویه دولت برای انجام پژوهش‌های محرمانه: برخی از نهادهای دولتی که حل مسائل و مشکلات سازمانی و اجتماعی-سیاسی خود را نیازمند استفاده از دانش علوم اجتماعی می‌دانند، مسائلشان را در قالب پروژه‌هایی برون‌سپاری می‌کنند و در عمل، خود

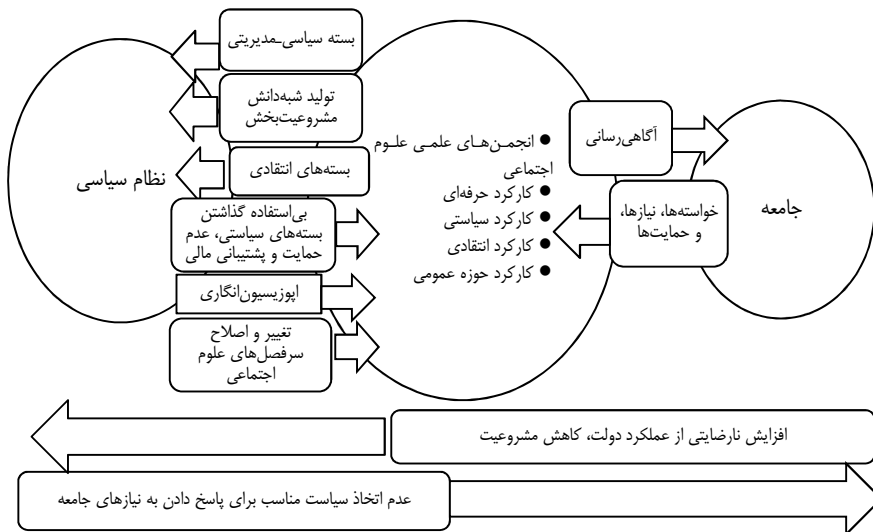


را از پژوهش‌های مستقل بی‌نیاز می‌بینند، اما این پژوهش‌ها آفت‌هایی دارند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. یافته‌های پژوهشی حاصل از این پژوهش‌های تجربی — حتی اگر مهر محرمانه نخورده باشد — معمولاً در بایگانی‌های دستگاه سفارش‌دهنده باقی می‌مانند و اگر دسترسی پژوهشگران به آن‌ها غیرممکن نباشد، دست‌کم بسیار دشوار است (سیدامامی، ۱۳۸۹: ۱۵۶). این پژوهش‌ها حتی از نهادهای دولتی رقیب نیز پنهان نگه داشته می‌شود و در عمل امکان نقد آن‌ها توسط دانشمندان علوم اجتماعی وجود ندارد، رسانه‌ها از وجود آن باخبر نمی‌شوند تا با استناد به آن مطالبه‌گری کنند، و در نهایت پژوهشگران و نهادهای دیگری که به این اطلاعات نیاز دارند، دوباره باید از صفر شروع کنند.
۲. غیرانتقادی هستند، زیرا نتیجه باید مورد قبول کارفرمایان باشد؛
۳. به مسائل پایه‌ای و نظری که در علوم اجتماعی اهمیت بالایی دارند نمی‌پردازند (نراقی، ۱۳۷۹: ۱۵۶) و تنها تابع نیازهای کوتاه‌مدت کارفرما هستند. بی‌اطلاعی انجمن‌ها از این پژوهش‌ها و عدم امکان راستی‌آزمایی آن‌ها توسط این نهادهای مستقل، از جمله دلایل بدبینی اصحاب علوم اجتماعی به سیاست‌های دولت است.

## نتیجه‌گیری

نمودار شماره (۲). مدل واقعی تعاملات نهادهای انجمنی با نهاد دولت و جامعه



اپوزیسیون‌انگاری انجمن‌های علمی (همان‌گونه که در نمودار شماره (۲) در مقایسه با نمودار شماره (۱) مشخص است) باعث بدکارکردی کل سیستم می‌شود. با اینکه انجمن‌های فعال علوم اجتماعی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی انتقادهای خود را مطرح می‌کنند، اما نمی‌توان آنان را به سبب این انتقادات اپوزیسیون‌انگاشت، زیرا ماهیت این انجمن‌ها بسیار فراتر از یک حزب یا یک جناح سیاسی است که بخواهد با انتقادهای خود، گروه مخالف را تخریب کند. انجمن‌های علمی علوم اجتماعی، انتقادهای خود را با بهره‌گیری از بدنه علمی و با تقید به چارچوب مطالعات و پژوهش‌های روشمند مطرح می‌کنند و در این راه هیچ‌گونه ملاحظه دیگری ندارند. منطق این انتقادات براساس ایجاد گفت‌وگو در جامعه علمی، حوزه عمومی، و اجتماعی استوار است. ترویج اخلاق گفت‌وگو بین انجمن‌های علمی علوم اجتماعی (به‌عنوان نمایندگان اجتماعات علمی) با جامعه و تأثیر آن بر سیاست‌های دولت می‌تواند به توسعه سیاسی گفت‌وگومحور و مصالحه سیاسی بین نیروهای اجتماعی (براساس منطق علمی) بینجامد و موجب کارآمدی دولت و افزایش ظرفیت آن در مدیریت بحران‌های اجتماعی شود.

رویکردی که نیازمند تغییر است، فروکاستن کارکردهای انجمن‌های علمی علوم اجتماعی به دانش حرفه‌ای محض و نادیده گرفتن توان انجمن‌ها در حوزه دانش انتقادی، سیاست‌گذاری، و ارتباط با حوزه عمومی و جامعه است. در شرایطی که دولت‌ها با درگیر شدن در مسائل اجرایی و مدیریتی، فرصت و توان کافی برای تحقیق و توسعه در حوزه علوم اجتماعی ندارند، بها دادن به ظرفیت‌های انجمن‌های علمی و به رسمیت شناختن آن‌ها می‌تواند در پیشبرد توسعه سیاسی و بهبود مدیریت کشور مؤثر باشد.

### راهکارهای پیشنهادی

در ادامه در راستای کاربردی‌سازی این پژوهش، پیشنهادهایی مطرح می‌شود. امید است که با کاربست آن‌ها توسط مسئولان اجرایی و همچنین انجمن‌های علوم اجتماعی، گام‌های مثبتی برای رفع چالش اپوزیسیون‌انگاری انجمن‌های علمی علوم اجتماعی برداشته شود. این راهکارها عبارتند از:

۱. ترجمه دانش: تلاش دوسویه برای یافتن زبانی مشترک بین مسئولان دولتی و

انجمن‌های علمی به‌گونه‌ای که نتایج تحقیقات علمی، ساده‌سازی و به‌دور از اصطلاحات علمی پیچیده متناسب با سطح غیرکارشناسی مخاطبان تعدیل شود و افزون‌براین، مسئولان از خیل دانش‌آموختگان حوزه علوم اجتماعی که جویای شغل هستند، مشاورانی انتخاب کنند که بتوانند زبان علمی را برای آن‌ها تبیین کنند و رابط بین جامعه نخبگان علمی و دولت باشند؛

۲. **شناسایی دوسویه:** به‌رسمیت شناختن استقلال انجمن‌ها از دولت و دولت از انجمن‌ها از هر دو سو و برقراری نوعی رابطه تقسیم کار و ایفای نقش مکمل برای یکدیگر بدون آنکه یکی بر دیگری سلطه یابد. انجمن‌های علمی با ساختاری غیردولتی، فراجناحی، مستقل، و دارای ارتباطی نزدیک‌تر با بدنه جامعه می‌توانند رهنمودهایی به دولت بدهند که از نهادهای دولتی دیگر ساخته نیست؛

۳. **توجه به اهمیت پژوهش‌های انجمنی در درازمدت:** آثار و نتایج پژوهش‌های علوم اجتماعی، ماهیت درازمدت دارند. دولت با اعتماد به روش‌های علمی در مقابل تصمیم‌های فردی و موردی می‌تواند در درازمدت از مواهب دانش علوم اجتماعی بهره‌مند شود؛

۴. **ارزیابی و کاربردی‌سازی پژوهش‌های انجمن‌ها:** ایجاد نهادها و کانون‌هایی در دولت که پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه علوم اجتماعی را بررسی و ارزیابی کنند تا مشخص شود به کدام یک می‌توان اتکا کرد. این ارزیابی تنها از عهده دانشگاهیان این حوزه برمی‌آید؛

۵. **به‌رسمیت شناختن و درک ماهیت انتقادی علوم اجتماعی:** همان‌گونه که دولت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته از این نقدها استقبال می‌کنند و آن را به چشم یک فرصت می‌بینند تا تهدید؛ در ایران نیز باید این فرهنگ تغییر کند و دست‌کم نقدهای علمی و روشمند که حاصل سال‌ها تلاش دانشگاهیان در انجمن‌های علمی علوم اجتماعی است را جدی بگیرند و از آن‌ها استفاده کنند؛

۶. **پرهیز از محرمانگی اطلاعات و پژوهش‌ها:** دولت از محرمانه نگه‌داشتن پژوهش‌هایی که در حوزه علوم اجتماعی انجام می‌دهد، بپرهیزد و تاجایی که امکان دارد آن را در اختیار رسانه‌ها و نهادهای انجمنی قرار دهد تا آن‌ها را با شفاف‌سازی و نقد علمی، بازبینی کنند و ایرادهایشان را آشکار سازند. همچنین، از دوباره‌کاری و اسراف منابع پژوهشی جلوگیری شود.\*

## منابع

- اساسنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- اساسنامه انجمن علمی مطالعات صلح ایران.
- اساسنامه انجمن علوم سیاسی ایران.
- اساسنامه تپ انجمن‌های علمی، وزارت علوم، تحقیقات، و فناوری.
- اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۸۸)، «تأملی بر مقاله «درباره جامعه‌شناسی مردم‌مدار» و نسبت آن با علوم اجتماعی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱۰ (۲).
- باتامور، تی. بی. (۱۳۷۱)، *نخبگان و جامعه*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران: نشر نی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴)، *دولت عقل*، تهران: علم نوین.
- بیات ریزی، زهره (۱۳۹۰)، «استفاده از مطالعات اجتماعی در سیاست‌گذاری: تجارب جهانی و دلشوره‌های ایرانی»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۵ (۴).
- پورعزت، علی اصغر؛ طاهری عطار، غزاله؛ نجاتی آجی‌پیشه، مصطفی (۱۳۸۹)، «چشم‌انداز اداره دولت و حکومت براساس خط‌مشی‌ها و اسناد راهبردی برخی از انجمن‌های علمی این رشته»، *نشریه مدیریت دولتی*، ۲ (۴).
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۷۸)، «اپوزیسیون و امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۴.
- دوورژه، موریس (۱۳۸۲)، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی، تهران: میزان.
- سرای، حسن؛ قاسمی، زهرا (۱۳۸۱)، «گونه‌شناسی انجمن‌های داوطلبانه در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۴).
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۹)، «جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۵ (۲).
- شورای انجمن‌های علمی ایران (۱۳۹۵)، *نیم قرن تلاش انجمن‌های علمی ایران*، تهران: شورای انجمن‌های علمی ایران.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی.

عبداللهی، محمد (۱۳۸۱)، «عملکرد انجمن‌های علمی در زمینه ترویج توسعه علم و اخلاق»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴(۱).

عظیمی، علی؛ صنعت‌جو، اعظم؛ دیانی، محمدحسین؛ و فتاحی، رحمت‌اله (۱۳۹۶)، «ترجمه دانش و بررسی اثربخشی آن در علوم پزشکی»، *تعامل انسان و اطلاعات*، ۴(۲).

علیخواه، فردین (۱۳۷۶)، «هابرماس و علوم اجتماعی: نظریه شناخت و روش‌شناسی»، فصلنامه راهبرد، ۱۴.

قانع‌راد، محمدامین (۱۳۹۵)، *الگوی چهاروجهی برای ارزیابی توسعه علوم انسانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

قدیمی، اکرم؛ حجازی، الهه (۱۳۸۸)، «نقش انجمن‌های علمی در توسعه علوم مهندسی»، *کنفرانس آموزش مهندسی در ۱۴۰۴*، فرهنگستان علوم.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، *سیاست‌های مقایسه‌ای*، تهران: سمت.

مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۹۲)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمدی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «چالش میان گفتمان‌های علوم اجتماعی و پارادایم قدرت در ایران»، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۵(۴).

مضطرزاده، فتح‌الله (۱۳۷۴)، «انجمن‌های علمی ایران: گذشته، حال و آینده»، *رهیافت*، ۱۱.

مقصودی، مجتبی (۱۳۹۱)، «جایگاه انجمن‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، و مطالعات سازمان ملل در رشد علمی و کاربردی کشور»، *فصل‌نامه مطالعات بین‌المللی ISJ*، ۳۲.

منوچهری، عباس (۱۳۸۷)، *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، تهران: سمت.

نراقی، احسان (۱۳۷۹)، *تحقیقات اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات سخن.

نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۸۴)، *فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی انگلیسی‌فارسی*، تهران: نشر نی.

Badie, B. (1984), *Le Développement Politique*, Economica.

Burawoy, M. (2005), "2004 American Sociological Association Presidential Address: for Public Sociology", *The British Journal of Sociology*, 56(2).

Coston, J. M. (1998), "A Model and Typology of Government-NGO Relationships", *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 27(3).

Easton, D. (1959), *The Political System*, New York.

Fassin, D. (2009), "Une Science Sociale Critique Peut-elle être Utile?", *Tracés. Revue de Sciences humaines*, (09).

Fisher, W. F. (1997), "Doing good? The Politics and Antipolitics of NGO Practices", *Annual Review of Anthropology*, 26(1).

Graham, I. D., Logan, J., Harrison, M. B., Straus, S. E., Tetroe, J., Caswell, W., & Robinson, N. (2006), "Lost in Knowledge Translation: Time for a Map?", *Journal of Continuing Education in the Health Professions*, 26(1).

- Habermas, J. (1990), *Moral Consciousness and Communicative Action*, Translated by C Lenhardt, & S W NicholSEN. Cambridge: Polity Press.
- Habermas, J. (2015), *Knowledge and human interests*. John Wiley & Sons.
- King Merton, R. (1968), *Social Theory And Social Structure*, Simon And Schuster.
- Klobucký, R., and Strapcová, K. (2004), "Knowledge Utilisation In Public Policy: The Case Of Roma Population Research In Slovakia", *International Social Science Journal*, 56(179).
- Marie-Hélène Corréard (2010), *Pocket Oxford Hachette French Dictionary*, New York: Oxford University Press.
- Nisbet, R. (1970), "Developmentalism as a perspective." In *Theoretical Sociology; Perspectives and Developments*, by J. C., & Tiryakian, E. A. McKinney, 177. New York, Appelton: Century Crofts.
- Orum A (1983), *Introduction to Political Sociology*, prentice hall.
- Popper, K. (2012), *The Open Society and its Enemies*, Routledge.
- Pye, L. (1967), *Aspects of Political Development*, Boston: Little Brown.
- Rostow, W. W. (1952), *The Process Of Economic Growth*, New York: WW Norton,.
- Schumpeter, J A. (1943), *Capitalism, Socialism and Democracy*, London: Routledge.
- Simpson, I. H., and Simpson, R. L. (1994, June), "The Transformation of the American Sociological Association", In: *Sociological Forum*, 9(2), Kluwer Academic Publishers-Plenum Publishers.
- Smolentseva, A. (2003), "Challenges to the Russian Academic Profession", *Higher Education*, 45(4).
- Wallace, R., and Wolf, A. (1986), *Contemporary Sociological Theory*, Prentice Hall.

وبسایتها

انجمن جامعه‌شناسی ایران، درباره انجمن، ۱۳۹۷/۲/۱۷، در دسترس در:

isa.org.ir .

انجمن علمی مطالعات صلح ایران، ۱۳۹۷ /۲/۱۷، در دسترس در:

ipsan.ir.

انجمن علوم سیاسی ایران، ۱۳۹۷/۲/۱۷، در دسترس در:

ipsa.ir